

چه کسی مرا شاهزاده کرد
(جلد سوم: مهمانی بزرگ)

پلوتوس

مترجم: مطهره ابراهیم زاده



چه کسی مرا شاهزاده کرد جلد سوم: مهمانی بزرگ (مانهوا)

..... نویسنده: پلوتوس • مترجم: مطهره ابراهیم زاده
..... مدیرگروه ترجمه: اکرم شکرزاده • ویراستار: سمیه شکرزاده
..... ناشر: نگاه آشنا • طراحی جلد: مجید غلامحسینی
..... صفحه آرا: زیبا کتاب • تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴
..... شمارگان: ۵۰۰ نسخه • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۱۷۴-۲

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می باشد و هرگونه خرید و فروش بامترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه: پلوتوس (P'üllut'osü) (Light novel author)

عنوان و نام پدیدآور: چه کسی مرا شاهزاده کرد؟ (جادوی رازها) (مانهوا) / نویسنده پلوتوس؛ مترجم مطهره ابراهیم زاده. / مشخصات نشر: قم: نگاه آشنا، ۱۴۰۴. / مشخصات ظاهری: ج. ۱؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: دوره: ۳-۰۰۷-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸؛ ج. ۳: ۲-۱۷۴-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا / یادداشت: عنوان اصلی: Whomademea princess.

مندرجات: ج. ۱: قلب یخی / - ج. ۲: جادوی رازها

موضوع: داستان ها، مجله ها، و فکاهیات تصویری -- کره جنوبی -- قرن ۲۱ م.

شاعرانگان -- داستان ها، مجله ها و فکاهیات تصویری

شناسه افزوده: ابراهیم زاده، مطهره، ۱۳۷۶-، مترجم، رده بندی کنگره: PN۶۷۹۰

رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۱۹۵ / شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۴۲۷۷۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فایا



نویسنده پلوتوس
تصویرگر اسپون



با من
تمرین کن!

نه.

گاززدن



اما تفاوت
قدمون
خیلی
زیاده.



فکر کنم
قراره با بابام
تو مهمونی
شرکت کنم.



ولی دارم
وانمود می‌کنم
که قرار نیست
این‌طوری
باشه.

قراره کفش
پاشنه‌بلند
بپوشم. اگه
اشتباهی پاش
رو لگد کنم
چی؟

اگه نبوده
باشی هم حالا
می‌تونی راحت
قدت رو بلند
کنی، نه؟

هان؟



چرا باید
این کار رو
بکنم...

لوکاس عزیز،
قوی‌ترین آدم دنیا
و زیباترین پسر
جادوگر در تمام
قلمروها!



می‌شه
کمکم کنی؟
آره؟



ازم می‌خوای
قد خودم رو بلند
کنم تا بتونی
باهام تمرین
کنی؟



مگه قبلاً
هم قد بابای
من نبود؟







نمی‌تونم
عروسی بسازی
که بیشتر شبیه
آدم باشه؟

به نظرت کاری
هست که من
نتونم از پیشش
بر پیام؟

چرا؟

نمی‌دونم، فقط
حس خوبی بهم
نمی‌ده، برای
همین انجامش
نمی‌دم.



پس یکی
واسه من بساز.
اگه ممکنه،
یه عروسک
خوش‌قیافه
بساز.

نچ.

ترجیح
می‌دم با
فلیکس
تمرین کنی.

بعضی وقتا
خیلی بدجنس
می‌شی.

می‌خوای از شدت
استرس بمیره؟



راستی،
شنیده‌م
که ایجکل
برگشته.

ایجکل
آلفئوس؟



آه، خسته
شدم.



زودتر از موعد
از آکادمی آرلانتا
فارغ التحصیل شده
و برگشته.

خیلی باهوشه.

شیش سال
گذشته.
نمی‌دونم چه قدر
بزرگ‌تر شده.

هنوز وقتی یاد دفعه
پیش می‌افتم، اعصابم
به هم می‌ریزه...



ولی منم تو این چند
سال بیکار نبوده‌م.

تو فکر
پسر آقای
سفیدی؟

هممم





حتی حرفشم
نزن. می‌دونی
یادآوری شیش
سال گذشته
چه قدر دردناکه؟!

گذشته
سیاه من!

اگه این قدر
کنجکاوی، چرا
نمیری یه سر
بزنی؟



حتی فکرکردن
به تلاشی که واسه
درس خوندن کردم
دردناکه...

فقط کافی
بود بهم
بگی.



برای من
کاری
نداره.

بشکن





حوصله
خودمم سر
رفته بود.



سفر خوبی
داشته
باشی.

تو...

لعنتی
بدجنس!





این بارم
من رو
غافلگیر
کردید.



تق

... حالتون
خوبه؟



دلم براتون
تنگ شده
بود، بانوی
فرشته.

ایجکل؟



اون پسر کوچولو
کجا رفت؟

بچه





کمک...
نمی‌خواهم!



هر چی
شما بگید،
بانوی من.



آخ

تلوتلو



بانوی من،
حالتون
خوبه؟

بله،
بله، من
خوبم...



برای چی
این قدر رسمی
حرف می‌زنه؟

می‌دونم
که کاملاً
مشخصه،
ولی

تو این
شیش سال
خیلی بزرگ
شدید.

ولی همون
لحظه اول شما
رو شناختم.



درخشش

درخشش

درخشش

ن... نه به اندازه تو.





حالا که بزرگ شده، بازم
می‌تونم نقش یه فرشته
رو بازی کنم؟



نه.
معلومه که
یادمه...

چ...چی کار
کنم؟

یادتون رفته
باشه من
کی‌ام؟

ممکنه
که...



چرا این قدر
از دیدن من
خوشحاله؟

واقعاً؟



ایم. احتمالاً
به کسی نگفتی
که من رو
این جا دیدی...
جناب؟



لطفاً با من
راحت باشید. نه،
به کسی حرفی
نزدهم.

خوبه، ولی
باید ملاقات
با من رو مثل
یه راز پیش
خودت نگه
داری.

حتمناً. اصلاً
خودتون رو
نگران نکنید.



ایجکل،
اون جایی؟



ج...جانت؟!!





ها؟

بیاید بریم
یه جای
خلوت‌تر.



چی کار کنم...
اگه الان نریم،
دیرمون می‌شه.



بی ادبی من
رو ببخشید.

نمی‌تونه بره
جانت رو ببینه؟

بهتر نیست
من رو این‌جا
تنها بذاری و
بری...؟



بعدش منم
می‌تونم ابرگردم
و برم...

ولی اون جوری
شما دوباره بدون
خدا حافظی
ناپدید می‌شید.

اوه